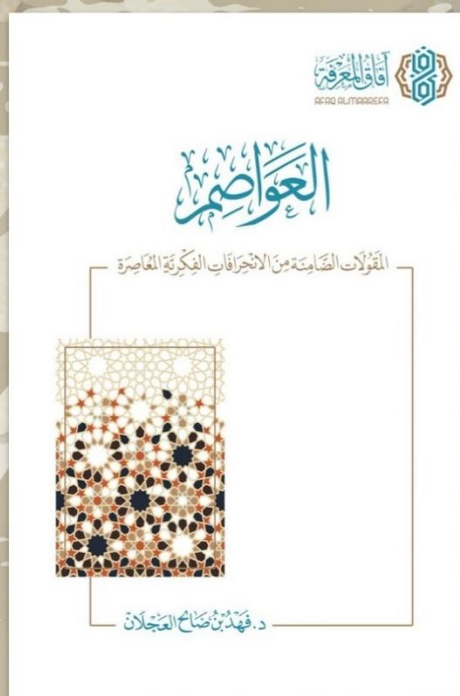


## سخنان محافظ (۳۸)

### اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی یابد

دکتر فهد العجلان | ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



سخنان محافظ | اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### (۳۸) اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد

مسلمان به اینکه به دین اسلام گرویده افتخار می‌کند؛ دینی که خداوند از هیچ کس جز آن را نمی‌پذیرد: **﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾** [آل عمران: ۸۵] (و هر کس جز اسلام آیینی [دیگر] بجوید، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است).

اسلام پایان بخش رسالت‌ها و پیامبرش محمد ﷺ خاتم پیامبران است: **﴿وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾** [الأحزاب: ۴۰] (بلکه فرستادهٔ الله و پایان بخش پیامبران است). او با کتابی به سوی آن‌ها آمد که سراسر هدایت، نور و شفاست: **﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي**

سخنان محافظ | اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد |

الْصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ} [یونس: ۵۷] (ای مردم، بی‌تردید برای شما از سوی پروردگارتان پند و اندرز و آمد و [نیز] شفایی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان). و خداوند متعال می‌فرماید: {قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ} [فصلت: ۴۴] (بگو: این [کتاب] برای کسانی که ایمان آورده‌اند، هدایت و شفاست).

و رسالتی است که رسالت‌های پیشین را تأیید می‌کند: {وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ} [المائدة: ۴۸] (و [ای پیامبر، ما این] کتاب را به حق بر تو نازل کردیم [که] تصدیق کننده کتاب‌های پیشین و نگهبان و گواه بر آنهاست).

پس هر کس این رسالت را نپذیرد، کافر است؛ چنان که حق تعالی می‌فرماید: {قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ} [آل عمران: ۶۴] (بگو: ای اهل کتاب، به سوی سخنی بیایید که میان ما و شما مشترک است؛ که جز الله را نپرستیم و چیزی را با او شریک نگردانیم

سخنان محافظ | اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد |

و برخی از ما برخی دیگر را به جای الله به خدایی نگیرد. پس اگر روی گردانند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم). و می‌فرماید: **{رَبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ}** (الحجر: ۲) (چه بسا کسانی که کفر ورزیدند، آرزو کنند که کاش مسلمان بودند).

بنابراین اسلام رسالتی پایانی و جاودان است که با حق و نور آمده است و خداوند دینی جز آن را از کسی نمی‌پذیرد و هر کس با آن مخالفت کند کافر است. دلایل این دین آشکار و حجت‌های آن روشن است؛ رسالتش به سرعت گسترش یافت و شرق و غرب زمین را درنوردید و تنها چند سال پس از وفات پیامبر ﷺ و پیوستنشان به رفیق اعلی، مردم گروه‌گروه به دین خدا درآمدند.

مسلمان به دین خویش می‌بالد و به انتساب به آن افتخار می‌کند؛ زیرا این دین بزرگ برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: **{هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ}** (التوبة: ۳۳) (او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها پیروز گرداند، هرچند مشرکان خوش

سخنان محافظ | اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد |

نداشته باشند). و می‌فرماید: **﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ**

**مُؤْمِنِينَ﴾** (آل عمران: ۱۳۹) (و سست نشوید و غمگین نگردید که اگر مؤمن

باشید، شما برترید). و می‌فرماید: **﴿قُلْنَا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾** [طه: ۶۸]

(گفتیم: نترس که تو بی‌تردید برتری).

همان‌گونه که پیامبر ﷺ فرمود: «بی‌تردید این امر (دین اسلام) به هر جایی که

شب و روز به آن می‌رسد، راه خواهد یافت؛ و الله هیچ خانه گلی (شهری) و

هیچ خیمه پشمینی (روستایی) باقی نمی‌گذارد مگر آنکه این دین را وارد آن

سازد؛ با عزتی که نصیب حق‌طلبان می‌کند یا خواری‌ای که بر باطل‌گرایان

می‌نهد؛ عزتی که الله با آن اسلام را سربلند می‌دارد و خواری‌ای که با آن کفر را

زبون می‌سازد».<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> احمد آن را در مسند (۲۸ / ۱۵۵) به شماره (۱۶۹۵۷) از حدیث تمیم داری آورده است؛ و ابن

حبان در صحیح خود (۶ / ۸۰) به شماره (۴۹۱۲) و طبرانی در المعجم الكبير (۲۰ / ۲۵۴) و بیهقی

در السنن الكبرى (۱۸ / ۵۹۷) به شماره (۱۸۶۵۸) از حدیث مقداد بن عمرو. هیشمی در مجمع

الزوائد (۶ / ۱۴) گفته است: راویان احمد راویان صحیح هستند. حاکم نیز آن را در المستدرک

سخنان محافظ | اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد |

از همین معناست آنچه از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمود: «اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد»<sup>۱</sup>.

خداوند این امت را ستوده است: **{كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ}** (آل عمران: ۱۱۰) (شما بهترین

---

(۴/ ۴۷۶) صحیح دانسته و ذهبی با او موافقت کرده است. بنگرید به: سلسله الاحادیث الصحیحة (۱/ ۳۲)، تحقیق مسند امام احمد (۲۸/ ۱۵۵).

<sup>۱</sup> رویانی آن را در مسند خود (۲/ ۳۷) به شماره (۷۸۳) آورده است و دارقطنی در السنن (۴/ ۳۷۱) به شماره (۳۶۲۰) و بیهقی در السنن الکبری (۱۲/ ۴۱۱) به شماره (۱۲۲۸۳) از حدیث عائذ بن عمرو رضی الله عنه. ضیاء مقدسی در المختار (۸/ ۲۴۰) آن را صحیح دانسته است. بیهقی در دلائل النبوة (۶/ ۳۶) و ابن عساکر در تاریخ دمشق (۴/ ۳۸۳) از عمر بن خطاب رضی الله عنه؛ و آن را بحشل در تاریخ واسط (۱۵۵) از معاذ بن جبل رضی الله عنه آورده است؛ همان طور که بخاری آن را از ابن عباس به صورت معلق روایت کرده است (۲/ ۹۳)؛ و ابوعبید در الاموال (۱۶۵) و طحاوی در شرح معانی الآثار (۳/ ۲۵۷). ابن حجر گفته است: اسناد آن صحیح است. بنگرید به: تغلیق التعلیق (۲/ ۴۹۰)، فتح الباری (۹/ ۴۲۱) و آلبانی حدیث مرفوع را «حسن لغیره» دانسته و موقوف آن را صحیح دانسته است. بنگرید به: ارواء الغلیل (۵/ ۱۰۶-۱۰۹).

## سخنان محافظ | اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد |

امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید؛ به کارپسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به الله ایمان دارید).

این برتری، یا برتری در قدرت و فرمانروایی است یا برتری در حجت و استدلال. اسلام با اقتدار خویش برتری می‌یابد، پس در زمین صاحب قدرت و تمکین می‌شود؛ یا با حجت‌ها و تبیین خود برتری می‌یابد، پس پیروزی و بیان و وضوح از آن او می‌گردد: **بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ** [الأنبياء: ۱۸] (بلکه ما حق را بر باطل می‌افکنیم؛ که آن را درهم می‌شکند و ناگاه آن [باطل] نابود می‌شود).

این برتری در گرو پایبندی آنان به اسلام است؛ چرا که اسلام منبع عزت و نصرت آنان است. پس اگر آن را رها کنند یا در به کار بستن احکامش کوتاهی ورزند، شایسته این عزت نخواهند بود؛ چنان که عمر بن خطاب رضی الله عنه

سخنان محافظ | اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد |

فرمود: «ما مردمی هستیم که خداوند ما را با اسلام عزت بخشید، پس هرگز عزت را در غیر آن نمی‌جوییم»!

\* \* \*

## آثار این مقوله:

### - استعلای ایمانی:

بر کسی پوشیده نیست که در روزگار ما، چیرگی فرهنگ غربی و وابستگی و تسلیم در برابر منظومه معیارهای برخاسته از ارزش‌های آن، از بزرگترین عوامل اثرگذار در پدیده تحریف و انحراف معاصر است. تمام شبهه‌ها و اعتراض‌ها بر اصول و احکام، تنها زمانی برانگیخته می‌شوند که این احکام با جریان فرهنگ غربی تضاد پیدا کنند؛ اما آن بخش از احکام شریعت که با

---

<sup>۱</sup> ابن مبارک در الرقائق (۲/ ۳۶۸)، ابن ابی شیبہ در المصنف (۷/ ۹۳)، هناد بن السری در الزهد

(۲/ ۴۱۷)، ابوداؤد در الزهد (۸۲) و حاکم در المستدرک (۱/ ۱۳۰).

فرهنگ غربی تعارضی ندارند، به حال خود باقی می‌مانند، نه اعتراضی علیه آن‌ها شکل می‌گیرد و نه بازار مناقشه و جدال درباره آن‌ها داغ می‌شود.

از سنت‌های زندگی این است که مغلوب، شیفته پیروی از غالب است؛ از همین رو، قدرت نظامی غرب و پیشرفت فنی خیره‌کننده آن، اراده بیشتر مردم را در دوران ما در هم شکسته است. بدین‌سان، این فرهنگ به جایگاه تمجید و شیفتگی بدل گشته و تقلید از غرب و حرکت بر مدار آن، به امری رایج و خوشایند برای مردمان تبدیل شده است. بنابراین، ماجرا بیش از آنکه متکی بر جنبه‌ای عقلانی و متقاعدکننده در فرهنگ غربی باشد، ناشی از شکست در برابر هیمنه آن، تسلیم در برابر چیرگی‌اش و ضعف در برابر قدرت مادی آن است.

در چنین فضایی است که عزت مسلمان به دینش، سربلندی‌اش با عقیده‌اش و استعلا‌ی او در برابر چیرگی غالب، معنا پیدا می‌کند؛ تا نه آن قدرت بر اصول دینش اثری بگذارد و نه مایه دست‌اندازی به محکومات شریعت گردد. بلکه مسلمان باید با دیدگاهی میانه‌رو با آن روبرو شود؛ از آنچه در آن درست و خیر

## سخنان محافظ | اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد |

و سودمند است بهره‌برد و آنچه را که نادرست و شر است رد کند. او باید میان آنچه به دین و باورها و آداب فرهنگ غربی مربوط است، با آنچه به تجربه‌های دنیوی پیوند دارد و از جنبه‌ای تجربی و بی‌طرف برخوردار است، تفاوت بگذارد.

کسی که درک کند اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌جوید، هرگز ضعیف نمی‌شود و زمانی که در هر زمان و مکانی در برابر کافر شکست می‌خورد، خود را نمی‌بازد. کافر شاید بر جسم مسلمان تسلط یابد، اما هرگز نمی‌تواند به روح مؤمن و صاحب‌یقین و با عزت او دست یابد.

از زیبایی‌های اسلام و شکوه شریعت آن این است که در پیروان خویش روح عزت و برتری می‌دمد که آنان را از شکست در برابر قدرت‌های غالب باز می‌دارد؛ از این رو می‌بینی که بیشتر مسلمانان وابستگی را بر نمی‌تابند و کسانی که تسلیم شده‌اند را با دیده تحقیر و بیزاری می‌نگرند. یکی از مورخان غربی معاصر، گواهی تاریخی مهمی درباره اثر این روحیه متمایز اسلامی ثبت کرده است؛ آنجا که به بررسی تأثیر هیئت‌های تبشیری مسیحی و ضعف اثرگذاری آن‌ها در برابر گسترش اسلام پرداخته و علت را چنین تبیین کرده است. او

می‌گوید: «نتیجه نهایی بسیار ناچیز بود؛ مسیحیت با تمام فرقه‌هایش در این امر که رقیبی جدی برای تنها دینی باشد که انتشاری مستمر داشت - یعنی اسلام - شکست خورد. زیرا این دین بدون آنکه با مقاومتی روبرو شود، بدون کمک سازمان‌های تبشیری و بدون بودجه‌های مالی یا حمایت قدرت‌های بزرگ، به گسترش خود ادامه داد و پیشروی آن در سرزمین‌های دوردست آفریقا و بخش‌هایی از آسیا تداوم یافت. بی‌گمان آنچه در این مسیر به اسلام کمک کرد، تنها به اصول مساوات‌طلبانه آن محدود نمی‌شد، بلکه آگاهی از برتری بر ارزش‌های اروپایی‌های اشغالگر نیز در آن نقش داشت. هیئت‌های تبشیری هرگز نتوانستند در مناطق مسلمان‌نشین نفوذ کنند و تنها موفق شدند پیشرفت اندکی در جوامع غیرمسلمان داشته باشند»<sup>۱</sup>.

برتری در برابر ارزش‌های اشغالگران، یکی از جلوه‌های عزتمندی در اسلام است؛ حقیقتی که باید در هر شرایطی و با وجود تمام سختی‌ها، در جان هر مسلمان ریشه داشته باشد. این شکوه معنوی، سدی استوار است که مانع

---

<sup>۱</sup> عصر سرمایه، اثر اریک هابزبام (۴۸۶ - ۴۸۷).

سخنان محافظ | اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد |

تسلیم شدن در برابر فشار فرهنگ غربی و خودباختگی در برابر هیمنهٔ معاصر آن می‌شود.

ماجرای ثبات یا انحراف، تنها بر پایهٔ مسائل صرفاً عقلانی یا مجادلات علمی محض استوار نیست؛ چنان نیست که برخی به سبب قدرت منطق یک ایده، از اسلام منحرف شوند یا با اقناع استدلالی، بر حق استوار بمانند. بلکه عوامل دیگری در پس این پایداری یا لغزش نهفته است که از آن جمله می‌توان به وضعیت روحی و روانی فرد اشاره کرد. اثرگذاری این افکار بر شخصیت ضعیف و لرزان، هرگز مانند اثر آن‌ها بر شخصی نیست که با سربلندی در برابر این فرهنگ قد علم کرده است. کسی که به تماشای اندیشه‌های غربی می‌نشیند در حالی که پیروان آن را بزرگ می‌شمارد، اهل اسلام را حقیر می‌بیند و نیازی مفرط به تغییر و بهره‌برداری بی‌ضابطه [از غرب] در خود حس می‌کند، با کمترین مطالعه و کوچکترین مواجهه‌ای با این فرهنگ، به سرعت مجذوب شده و در آن هضم می‌شود؛ و این نه به سبب قدرت ایده‌های وارداتی، بلکه به خاطر سستی ریشهٔ آن شخص است.

سخنان محافظ | اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد |

از این رو، یکی از بزرگترین تضمین‌ها در برابر موج انحرافات فکری معاصر، این است که مسلمان خود را، پدر، فرزندان را و استاد، شاگردانش را برپایهٔ عزت ایمانی پرورش دهد. باید در دل همگان مفاهیمی را تقویت کرد که دینشان را در نظرشان بزرگ گرداند، آن را محبوب قلب‌هایشان سازد و برتری، جایگاه والا، کمال شریعت و سازگاری آن را با عقل، مصلحت و عدالت تبیین کند. در مقابل، باید آشفتگی، سرگشتگی و ضعفی را که در فرهنگ غربی وجود دارد، آشکار ساخت.

یکی از جلوه‌های عزت ایمانی، سربلندی با تکیه بر حجت و برهان، و چیرگی در آشکار ساختن حق، تبیین دلایل آن و پاسخ‌گویی به شبهات مطرح‌شده است. این معنا جز با دانش، عمل، ثبات و قدرت محقق نمی‌شود؛ چرا که با دانش اندک و لکنت زبان نمی‌توان در مقام استدلال سربلند بود، همان‌طور که با ضعف درون و درهم‌شکستگی روح نیز نمی‌توان به چنین شکوهی دست یافت.

سخنان محافظ | اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد |

ابن تیمیه درباره اهمیت سربلندی با حجت و برهان می‌گوید: «باید دانست که در برابر شبهاتی که با امور مسلم دین مسلمانان تعارض دارند، حتماً باید پاسخی قاطع و بی‌شبهه وجود داشته باشد؛ برخلاف روشی که متکلمان در پیش می‌گیرند. هر کس با اهل الحاد و بدعت چنان مناظره نکند که ریشه آنان را برکند، حق اسلام را ادا نکرده و به مقتضای علم و ایمان پایبند نبوده است. سخن چنین کسی نه مایه شفای سینه‌ها و آرامش جان‌هاست و نه دانش و یقینی می‌بخشد»<sup>۱</sup>.

- برابر نبودن مسلمان با کافر:

کافر با مسلمان برابر نیست؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: **{أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ}** (القلم: ۳۵) (آیا مسلمانان را مانند مجرمان قرار می‌دهیم؟). و می‌فرماید: **{لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ}** (الحشر: ۲۰) (دوزخیان با بهشتیان برابر نیستند). و همچنین خداوند متعال می‌فرماید: **{وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ}**

---

<sup>۱</sup> مجموعه الفتاوی (۲۰/ ۱۶۴ - ۱۶۵).

[غافر: ۵۸] (نابینا با بینا، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند با بدکردار، برابر نیستند).

براین اساس، احکامی آمده است که مسلمان را از کافر متمایز می‌کند؛ مانند ولایت و شهادت. علما همواره برای اثبات این احکام به برتری اسلام استناد کرده‌اند. علت این تفاوت آن است که مسلمان جایگاهی برتر از کافر دارد؛ چرا که کافر با نافرمانی از پروردگار خویش و سر باز زدن از طاعت دین او، منزلت خویش را کاسته است.

برخی از معاصران که درباره این احکام دچار تردید شده‌اند، آن‌ها را برای روزگار ما نامناسب می‌پندارند و با سطحی‌ترین توجیه‌ها از آن‌ها روی می‌گردانند. آنان با این ادعا که چنین تفاوت‌هایی تنها مربوط به برهه‌ای تاریخی بوده‌اند، می‌کوشند از این احکام رها شوند؛ با این پندار که در اصل نباید تفاوتی میان مسلمان و کافر باشد. تمام این‌ها ناشی از تأثیر فرهنگ معاصر است که دین را در فضای عمومی به حاشیه رانده و چنین تصور کرده که این بی‌طرفی اصل است. اگر به سخنان علما در قرون گذشته بازگردیم، هیچ‌یک از آنان را

نخواهیم یافت که چنین سخنی گفته باشد؛ بلکه همگی بر این باورند که علت اصلی، همان کفر و ایمان است؛ چرا که این دو، اوصافِ اثرگذار در این احکام به شمار می‌روند.

### - نکوهش شبیه ساختن خود به کافران و تقلید از آنان:

والایی اسلام اقتضا می‌کند که پیروانش خود را به غیرمسلمانان شبیه نسازند. در حدیث آمده است: «هر کس خود را شبیه گروهی کند، از آنان است.»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> ابن ابی‌شبیبه در المصنف (۴۷۱ / ۶) به شماره (۳۳۰۱۶)، احمد در مسند (۱۲۳ / ۹) به شماره (۵۱۱۴) و ابوداود (۱۴۴ / ۶) به شماره (۴۰۳۰) از ابن عمر رضی‌الله‌عنهما. ابن حجر در فتح‌الباری (۲۷۱ / ۱۰) سند آن را «حسن» دانسته است. همچنین بزار در مسند (۳۶۸ / ۷) و طبرانی در المعجم الاوسط (۱۷۹ / ۸) به شماره (۸۳۲۷) از حذیفه رضی‌الله‌عنه؛ و عبدالرزاق در المصنف (۴۶۲ / ۱۰) به شماره (۲۲۰۶۲) به صورت موقوف از عمر رضی‌الله‌عنه آن را نقل کرده‌اند. ابن تیمیه در مجموع الفتاوی (۳۳۱ / ۲۵) می‌گوید: این حدیثی نیکو (جید) است. آلبانی نیز در ارواء‌الغلیل (۱۱۱-۱۰۹ / ۵) آن را صحیح دانسته است. هرچند در سند آن ضعفی وجود دارد، اما متابعات مختلفی دارد. برای تفصیل بنگرید به: تحقیق مسند امام احمد (۱۲۶-۱۲۳ / ۹) و تحقیق اعلام الموقعین (۱۴-۱۳ / ۵).

ابن تیمیه حکمت‌های نهی از این همانندسازی را برشمرده و می‌گوید:

۱- «همراهی در ظاهر و شیوه زندگی (هَدی ظاهر)، مایه تناسب و شباهت میان همسانان می‌شود که در نهایت به هماهنگی در اخلاق و کردار می‌انجامد»<sup>۱</sup>.

۲- «دیگر اینکه: مخالفت در ظاهر، موجب تمایز و جدایی می‌شود که موجب دوری از موجبات خشم [الهی] و عوامل گمراهی است»<sup>۲</sup>.

۳- «همچنین: همراهی با آنان در ظاهر، موجب درآمیختگی ظاهری می‌شود، تا آنجا که تمایز آشکار میان هدایت‌یافتگان مورد خشنودی [الهی] و غضب‌شدگان از میان می‌رود»<sup>۳</sup>.

این همانندسازی (تَشَبُّه)، هم کسی را که قصد شبیه‌سازی دارد و هم کسی را که چنین قصدی ندارد، در بر می‌گیرد؛ پس تَشَبُّه هم شامل کسی است که

---

<sup>۱</sup> اقتضاء الصراط المستقیم (۱/ ۹۲ - ۹۳).

<sup>۲</sup> اقتضاء الصراط المستقیم (۱/ ۹۳).

<sup>۳</sup> اقتضاء الصراط المستقیم (۱/ ۹۴).

کاری را صرفاً به خاطر انجام آن توسط دیگران انجام می‌دهد، و هم شامل کسی است که برای رسیدن به مقصود خود از دیگری پیروی می‌کند، در حالی که اصل آن کار از دیگری گرفته شده است.<sup>۱</sup>

### - بی‌نیازی ذاتی:

مسلمان به آنچه نزد دیگران است نیازی ندارد؛ بلکه در دین او بی‌نیازی، شفا و کفایت نهفته است. بنابراین مسلمان نیازی ندارد که در کتب فیلسوفان به جست‌وجو بپردازد یا در کتاب‌های ادیان دیگر به دنبال حقیقتی گمشده بگردد، یا برای پاسخ به پرسشی یا دفع شبهه‌ای به آن‌ها بنگرد. احترامی که برخی برای آن اندیشه‌ها قائلند، ناشی از ضعف نفس است؛ همان وضعی که چشمان آنان را از دیدن سرگردانی، حیرت، گمراهی، آشفتگی و تناقضی که آن اندیشمندان در بزرگترین مسائل و مهم‌ترین پرسش‌ها بدان دچارند، می‌بندد.

---

<sup>۱</sup> بنگرید به: اقتضاء الصراط المستقیم (۱/ ۲۷۱ - ۲۷۲).

سخنان محافظ | اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد |

شاید در اینجا گفته شود: اما مطالعه چنین کتاب‌هایی ممکن است او را به پاسخ‌های نیکو، استدلال‌های مناسب و مثال‌ها و پژوهش‌های قدرتمندی برساند.

این سخن درست است، اما این موضوع به شناخت حق یا دلایل آن مربوط نمی‌شود، بلکه تنها در پاسخ به شبهه‌های معاصریا متقاعد کردن برخی مردم به آن‌ها و مواردی از این دست، از آن بهره گرفته می‌شود.

چنان‌که ابن تیمیه با روشن ساختن وجه این بهره‌گیری می‌گوید: «به همین ترتیب، در سخن عموم گروه‌های متکلم، از گفته‌های هر گروه در تبیین فساد سخن گروه دیگر بهره برده می‌شود؛ نه برای شناخت آنچه پیامبر ﷺ آورده است. زیرا در میان گروه‌های هواپرست و اهل بدعت، کسی نیست که حقیقت آنچه پیامبر ﷺ آورده را بشناسد، بلکه هر گروه تنها بخشی از آن را که خود می‌داند، می‌شناسد. پس آنان کافرانی اهل انکار نیستند و از سویی، عارف به آن نیز به شمار نمی‌آیند»<sup>۱</sup>.

---

<sup>۱</sup> النبوات (۲/ ۹۰۲).

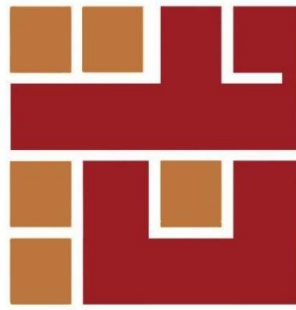
## - علنی ساختن مفاهیمی که اسلام آورده است:

از آثار عزت‌مندی به اسلام و به یاد داشتن والایی اقتدار آن، این است که مسلمان مفاهیم دین را با صراحت و سربلندی اعلام کند، مردم را به سوی آن‌ها فراخواند و بدون شرم یا ضعف، آن‌ها را آشکار سازد. این یکی از آثار مهم است؛ زیرا در میان بخش بزرگی از مسلمانان، نوعی شرم از آشکار ساختن مفاهیم دینی دیده می‌شود که از ترس چیرگی سکولاریسم ناشی شده است؛ همان جریانی که دین را به حاشیه رانده و آن را تحقیر می‌کند. از این رو، فرد از اینکه بگوید فلان کار شرعاً حرام یا مخالف دین است، خجالت می‌کشد و ناچار می‌شود برای توجیه این خودداری، به دنبال مفاهیم دیگری بگردد، بدون آنکه حکم شرعی آن را بیان کند.

همچنین، این سربلندی دینی مانع از آن می‌شود که مسلمان مسائل کلان را جدا از نگاه دین به بحث بگذارد یا بدون در نظر گرفتن دین، در پی پاسخ پرسش‌های بزرگ باشد؛ زیرا چنین رویکردی نشان‌دهنده نوعی ضعف روانی

سخنان محافظ | اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد |

و خودباختگی در برابر سلطهٔ فرهنگ غربی است؛ وضعیتی که مسلمانِ مفتخر به دین و باورمند به درستی آن، هرگز نباید به آن تن بدهد.



**مرکز مطالعات متین**

[www.MatinStudies.com](http://www.MatinStudies.com)

[t.me/MatinStudies](https://t.me/MatinStudies)

[facebook.com/MatinStudies](https://facebook.com/MatinStudies)

[Instagram.com/Matinstudies](https://Instagram.com/Matinstudies)

[X.com/Matinstudies](https://X.com/Matinstudies)